

یک قاچ هندوانه در کرانه باختری

درباره بازنمایی مسئله فلسطین در هنرهای تجسمی



سعید دهقانی
پژوهشگر مطالعات عرب

رسانه‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون، پادکست‌ها و روزنامه‌ها می‌توانند خبرهای زجر فلسطینیان را منتقل کنند؛ اما خبرها همیشه منقضی می‌شوند. ممکن است خبری را امروز بشنویم و متأثر شویم اما فردا از یاد ببریم. هنر اما این گونه نیست. رنجی که هنرمند در هنر خود متجلی می‌کند، ماناست؛ همیشه باقی می‌ماند و در سیر گذر تاریخ از یاد نمی‌رود. درست مثل هنرمندان هنرهای تجسمی فلسطینیان که اندوه دیرین ملت فلسطین را در قالب خط، رنگ، فرم و حجم تبدیل کرده‌اند و این امر حتی بر فرض محال درصورتی که صلیحی برقرار شود باز هم باقی خواهد ماند. آنچه در ادامه می‌خوانید معرفی شماری از هنرمندان هنرهای تجسمی فلسطینی است که سوزۀ آثارشان وطن بوده است.

ناجی العلی، کاریکاتوریست مشهور فلسطینی (۱۹۸۷-۱۹۳۷)، با خلق شخصیت «حنظله» (پسرک پشت به مخاطب) نماد مقاومت و اعتراض همیشگی را ساخت. حنظله هنوز هم در تظاهرات و گرافیتی‌های خیابانی دیده می‌شود. افزون بر این، پوستره‌های مقاومت در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نقش مهمی در انتقال پیام آزادی خواهی فلسطین داشتند و از نظر زیبایی‌شناسی، بخشی از «هنر انقلابی جهان سوم» به حساب می‌آیند. البته باید در نظر داشت که مهمترین اثر را نقاشان و مجسمه‌سازان از خود به یادگار گذاشتند. هنرمندانی مثل «سلیمان منصور» (با اثر مشهورش «حامل الارض» زمین‌بردوش) که مردی کشاورز را نشان می‌دهد در حالی که زمین را بر دوش دارد) به بازنمایی پیوند فلسطینی با خاک و هویت پرداختند. از دیگر هنرمندان فلسطینی که نقش مهمی در جهانی‌شدن هنرهای تجسمی فلسطین داشت «تمام الاکحل» بود. او سبکی ویژه در نقاشی داشت به‌طوری‌که با استفاده از رنگ‌های قوی و فرم‌های نمادین، روایت زن فلسطینی، پایداری و امید را به تصویر می‌کشید.

از هرچه بگذریم، هنرهای زیبا جایشان در گالری‌ها و نگارخانه‌هاست. اقلیتی از هنردوستان نیز آن‌ها را دنبال می‌کنند. مثلاً نمایشگاه‌های بین‌المللی مثل «بیناله ونیز» گاه میزبان آثار هنرمندان فلسطینی بوده‌اند که تجربه زندگی در سایه اشغال و تبعید را بازتاب می‌دهند. منتقدان و کارشناسان هم می‌آیند و در مکانی شیک و به‌دور از صدای انفجار و بوی باروت این آثار را می‌بینند و برای رنج مردمی تحت اشغال دل می‌سوزانند. اما همان‌طور که اشاره کردم این‌ها اقلیت هستند. امروزه اکثریت مردم به هنرهای خیابانی گرایش دارند. در فلسطین نیز این‌دست آثار کم‌مخاطب نیستند؛ دیوار حائل اسرائیل (دیوار آپارتاید) در کرانه باختری، به بوم بزرگی برای هنرمندان فلسطینی و جهانی تبدیل شد. گرافیتی‌ها و نقاشی‌های این دیوار (از جمله کارهای معروف بنکسی) به یکی از مهم‌ترین رسانه‌های بصری اعتراض علیه اشغال بدل شده است. هنرمندان محلی با آفرینش تصاویر، پیام‌هایی در مورد آزادی زندانیان، حق بازگشت و مقاومت روزمره را روی این دیوار می‌نویسند. خلاقیت هنرمندان این سرزمین کم‌بدیل است. هنگامی که اسرائیل بازنمایی پرچم فلسطین را روی دیوار حائل ممنوع کرد، جوانان فلسطینی این ایده را ابداع کردند که چرا رنگ‌هایی که در پرچم این کشور به‌کار رفته را در نقش و طرحی بیاورند که سانسور رژیم آپارتاید صهیونیستی را نیز دور بزنند. سبز، قرمز، سیاه و سفید همان رنگ‌هایی هستند که در یک قاچ هندوانه معمولی دیده می‌شود. پس به‌این‌ترتیب هندوانه تبدیل شد به نماد هویت فلسطینی، هویتی که حتی به پرچم ملت‌اش نیز رحم نمی‌شد. در کنار همه این‌ها، نسل جدیدی از هنرمندان فلسطینی در عرصه هنر دیجیتال، ویدئو آرت و عکاسی مستند فعالیت می‌کنند. آنها از رسانه‌های نوین برای رساندن صدای خود به جهان استفاده می‌کنند و در فضای مجازی منتشر می‌کنند. شاید بتوان گفت فضای مجازی، بومی است بسیار وسیع‌تر از دیوار حائل؛ اگرچه در فضای مجازی هم سانسور و ممنوعیت علیه هنر فلسطین اعمال می‌شود. در پشت دیوار حائل با اسلحه، در فضای مجازی با فیلترینگ.

فرهنگ

CULTURE

۱۴



طلا، نفت و امروز داده

کتاب «ما کلان داده‌ایم» روایتی از جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم

علی پیرایی

روزنامه‌نگار فناوری

اگر در گذشته نفت «طلای سیاه» نامیده می‌شد، امروز داده، همان جایگاه را یافته است. هر کلیک، هر حرکت گوشی هوشمند، هر تراکنش مالی و حتی هر لحظه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کنیم، به‌رشته‌های بی‌پایانی از داده تبدیل می‌شود. کتاب «ما کلان‌داده‌ایم» نوشته زاندر کلوس- استاد دانشگاه آکستردام و مدیر حوزه کلان‌داده در KPMG- و نارت ویلارد- نویسنده و مشاور مستقل- تلاش می‌کند تصویری جامع از این واقعیت تازه ارائه دهد؛ اینکه داده نه یک ابزار جانبی، بلکه خود بستر زندگی اجتماعی امروز ماست. پیش از اینکه‌نگاهی به کتاب داشته باشیم ابتدا خودمفهوم کلان‌داده را مختصر بررسی می‌کنیم.

▼ **کلان داده چیست؟**

کلان‌داده (Big Data) اصطلاحی است برای توصیف مجموعه‌های عظیم و پیچیده‌ای از داده‌ها که فراتر از ظرفیت روش‌های سنتی ذخیره‌سازی و تحلیل هستند. ویژگی اصلی کلان‌داده را معمولاً با سه «V» می‌شناسند: ۱- حجم: (Volume) حجم بی‌سابقه داده‌ها، از اطلاعات شبکه‌های اجتماعی گرفته‌تا داده‌های حسگرها و تراکنش‌های مالی، ۲- تنوع: (Variety) داده‌ها می‌توانند متنی، تصویری، ویدیویی، صوتی یا ترکیبی باشند. ۳- سرعت: (Velocity) داده‌ها به‌صورت لحظه‌ای و با سرعت بالا تولید و منتقل می‌شوند. البته امروزه برخی متخصصان دو ویژگی دیگر را هم اضافه می‌کنند: درستی (Veracity) و ارزش (Value).

▼ **چرا کلان داده مهم است؟**

کلان‌داده پیش از هرچیز در دنیای اقتصاد و کسب‌وکار مهم است. شرکت‌ها با تحلیل داده‌های خرید مشتریان می‌توانند رفتار مصرف‌کننده را پیش‌بینی کنند. امروزه غول‌هایی مثل آمازون و نتفلیکس با استفاده از کلان‌داده، تجربه کاربر را ر شخصی‌سازی می‌کنند و درآمد‌های میلیاردی به‌دست می‌آورند. ازسوی دیگر بانک‌ها از داده برای شناسایی تقلب و مدیریت ریسک استفاده می‌کنند. حوزه پزشکی و سلامت از دیگر حوزه‌های است که کلان‌داده نقشی کلیدی در آن دارد. کلان‌داده امکان پزشکی شخصی‌سازی‌شده را

خوشبختی؛ میان خیال و واقعیت

درباره «اسباب خوشبختی» که خواننده را به دنیای پیچیده

احساسات، اخلاق و انتخاب‌های فردی می‌برد

مهسا طاعتی

خبرنگار گروه فرهنگ

کتاب «اسباب خوشبختی» چهار داستان کوتاه از اریک امانوئل اشمیت است که برای اولین‌بار سال ۲۰۱۳ در فرانسه منتشر شد و شهلا حائری سال ۱۳۹۲ آن را در انتشارات قطره به فارسی برگرداند. این اثر که در سال جاری به چاپ هفتم رسید، صرفاً یک مجموعه داستان نیست؛ بلکه سفری ذهنی و احساسی در دل تاریک‌ترین و درخشان‌ترین وجوه انسان است. اسباب خوشبختی برای کسانی که به داستان‌های کوتاه با تأملات فلسفی و اخلاقی علاقه دارند، انتخابی دقیق، هوشمندانه و فراموش‌نشدنی خواهد بود.

آثار اریک امانوئل اشمیت معمولاً پر از مفاهیم عمیق فلسفی و انسانی هستند. او به مسائلی چون عشق، مرگ، زندگی، تنفر و حقیقت می‌پردازد و هدفش این است که خوانندگان را با داستان‌های

کتاب پنجمشنبه

فراهم می‌کند؛ یعنی درمان‌وداروبراساس ویژگی‌های ژنتیکی و سبک زندگی هر فرد تنظیم می‌شود. در دوران پاندمی کرونا، تحلیل داده‌های سلامت و تردد به دولت‌ها کمک کرد، مسیر شیوع بیماری را پیش‌بینی و مدیریت کنند.

کلان‌داده در شهرها و حمل‌ونقل هم می‌تواند به‌یاری آیند. شهرهای هوشمند با داده‌های ترافیک می‌توانند چراغ‌های راهنمایی را تنظیم کنند تا ازدحام کاهش یابد. ازسوی‌دیگر، تاکسی‌های اینترنتی الگوریتم‌های مسیریابی خود را بر پایه تحلیل لحظه‌ای داده‌های ترافیک طراحی کرده‌اند.

اما کلان‌داده در سیاست و جامعه هم کاربرد دارد. امروزه داده‌ها در کمپین‌های انتخاباتی نقشی تعیین‌کننده یافته‌اند؛ تحلیل رفتار رأی‌دهندگان می‌تواند استراتژی‌های سیاسی را تغییر دهد. هم‌زمان، همین قدرت می‌تواند نگرانی‌های بزرگی درباره «دستکاری افکار عمومی» ایجاد کند؛ نمونه‌مشهور آن ماجرای کمبریج‌آنالیتیک‌ا بود.

▼ **فرصت‌ها و ترس‌ها**

کلان‌داده؛ می‌تواند در بهبود تصمیم‌گیری یاری کند و مدیران به‌جای حدس و گمان، می‌توانند براساس شواهد آماری تصمیم بگیرند، می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری در صنایع شود و در بهینه‌سازی تولید و کاهش هزینه‌ها کمک می‌کند، می‌تواند در نوآوری علمی‌یاور باشد، از فیزیک و نجوم یاور تا علوم اجتماعی، داده‌های عظیم امکان کشف الگوهای تازه را فراهم می‌آورند و در نهایت کلان‌داده می‌تواند زندگی بهتری برای بشر رقم بزند. در سطح فردی، داده‌ها می‌توانند زندگی روزمره را راحت‌تر و کارآمدتر کنند؛ از پیشنهاد فیلم گرفته‌تا برنامه‌های سلامتی‌روی موبایل.

به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، کلان‌داده فقط فرصت نیست؛ تهدیدهایی هم در پی دارد. کلان‌داده می‌تواند حریم خصوصی را نشانه بگیرد، داده‌های شخصی ممکن است بدون رضایت افراد جمع‌آوری یا سوءاستفاده شود. کلان‌داده باعث تمرکز قدرت می‌شود، شرکت‌های معدودی که مالک داده‌های بزرگ هستند، نفوذی بی‌سابقه بر اقتصاد و سیاست پیدا کرده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین ترس‌ها سوگیری الگوریتمی است. اگر داده‌های ورودی نادرست یا تبعیض‌آمیز باشند، نتایج تحلیل نیز ناعادلانه خواهد بود (مثلاً در استخدام یا اعطای وام). وابستگی اجتماعی هم یکی از تألی فاسد‌های کلان‌داده است. جامعه هرچه بیشتر به داده‌ها متکی می‌شود، آسیب‌پذیری آن در برابر خطا یا حملات سایبری هم بیشتر می‌شود. درحقیقت می‌توان گفت که کلان‌داده، همچون چاقوی دولبه است؛ ازیک‌سو، می‌تواند بیماری‌ها را درمان کند، شهرها را کارآمدتر سازد و اقتصاد را رونق دهد و ازسوی‌دیگر، می‌تواند ابزار نظارت، دستکاری افکار عمومی و ناوابری‌های تازه باشد. اهمیت اصلی آن در دنیای امروز همین تضاد است. آینده‌ای که با داده‌ها می‌سازیم بستگی به تصمیمات امروز ما در حوزه اخلاق، قانون‌گذاری و فناوری دارد. با این مقدمه در ادامه نگاهی به کتاب «ما کلان‌داده‌ایم: آینده جامعه‌اطلاعاتی» می‌اندازیم.

▼ **داده؛ از ترس تا امید**

نویسندگان کتاب تأکید می‌کنند هر فناوری تازه‌ای با موجی از ترس و بدبینی روبه‌رو می‌شود. همان‌طور که برق و اینترنت در آغاز هراس‌آور بودند، امروز نیز بسیاری از شهروندان نگران «کنترل» یا «نظارت» مبتنی بر داده‌اند. اما نویسندگان به‌جای انکار این نگرانی‌ها، راهکار ارائه می‌کنند؛ شفافیت،

آنچه در پشت‌پرده نهفته است، مسائلی چون غفلت یک پدر، نیروی تأثیر خاطرات و حتی زیر سوال رفتن خوشبختی یک زن را روایت می‌کند. داستان‌های این کتاب به‌شدت جذاب بوده و همواره بین حقیقت، خیال، واقعیت و دروغ می‌چرخند. در هریک از این داستان‌ها، نویسنده به‌مثابه یک روان‌شناس ماهر، قهرمانانش را به مسیرهایی می‌کشاند که در آن‌ها با خود واقعی‌شان، گذشته‌های مخفی‌شان و پرسش‌های بنیادین اخلاقی روبه‌رو می‌شوند. به‌همین دلیل روایت‌های این کتاب بر بیان درگیری‌های ذهنی شخصیت‌های اصلی متمرکز است که راوی آن‌ها را به‌عنوان افرادی عجیب و غریب، متمایز از دیگران و در مواردی روان‌پریش توصیف کرده است. جدای از نثر ساده و روان اشمیت در این کتاب، شروع‌های جذاب و پایان‌بندی‌های غافل‌گیرکننده از دیگر ویژگی‌های اسباب خوشبختی است. داستان اول کتاب، احوالات زنی را روایت می‌کند که یک‌روز پسر نوجوانی را که شباهت زیادی به همسرش دارد، تعقیب می‌کند و فکر خیانت در روح و روان او کاشته می‌شود. اشمیت با ظرافت و روانی نثرش، جدال این زن با حقیقت و افکارش را به تصویر می‌کشد تا نشان بدهد، گاهی اوقات این افکار ما هستند که به ما خیانت می‌کنند، نه واقعیت. در «بازگشت» هم داستان پدری را می‌خوانیم که کارگر کشتی است و در یکی از سفرهایش خبر فوت یکی از چهار دختر خود را دریافت می‌کند. اشمیت در این داستان نیز شخصیت اصلی را مقابل خود و افکارش قرار می‌دهد تا غفلت‌اش نسبت به فرزندان و همسرش را نشان

عمیق به تفکر وادارد. همین رویکرد نویسنده مطرح فرانسوی را می‌توان در داستان‌های «اسباب خوشبختی» نیز مشاهده کرد. این اثر او، چهار داستان به‌نام‌های «اسباب خوشبختی»، «بازگشت»، «دستکش» و «بانوی گل به‌دست» است که در آن‌ها از طریق

